

یادداشت روز

کمسیون فرهنگی ورود کند



علی فرامرزى

● حداقل نسل من و آن گروه از هنرمندانی که برآمدن هنری آنها به دوران بعد از انقلاب برخورد کرده است، به‌خوبی به‌خاطر دارند چگونه در سالیانی طولانی چون جزیره‌ای تنها و به دور از هرگونه ارتباط با جهان ساورای مرزهایبان، برای یافتن کوچک‌ترین روزنه‌ای به دنیای دیگر، مجبور به رؤیاپردازی در کنج خانه‌ها یا احتمالا آتلیه‌هایمان بوده‌ایم. در دوره‌ای که نه از اینترنت خبری بود و نه دسترسی به اطلاعات درخصوص آنچه در حوزه‌های فرهنگی یا تجسمی می‌گذشت، با چه حسرتی نگاه می‌کردیم به هرکسی که روزنی به فضای بیرون داشت و برایمان در حد دیده و برداشتش از اتفاقات هنری دیگر ملت‌ها می‌گفت و با چه ولعی به هر کلمه و هر نظری گوش فرا می‌دادیم. این وضعیت نه‌فقط در داخل که در بیرون نیز به این‌گونه بود. وقتی برای نخستین‌بار فیلم «خانه دوست کجاست» را دیدند، به‌ناگهان بخش فرهنگی جامعه اروپایی، به سختی و به اجبار، کوشش کرد به‌خاطر بیابارد ملتی به نام ایران هست که صاحب فرهنگ است و کار هنری هم می‌داند و می‌تواند در حوزه انسانی گفتنی‌هایی داشته باشد. هم‌زمان‌شدن تقریبی آمدن اینترنت و با پاکردن کم‌کم ماهواره‌ها و برآمدن فضای بازتر فرهنگی در دوره اصلاحات و نیاز به تشکیل تشکل‌های صنفی، مجموعه رویکردها و سازوکارهای جدیدی را شکل داد که دیگر نمی‌شد با تفکر دهه‌های گذشته به اعمال مدیریت پرداخت و کارها را آن‌گونه پیش برد که بتواند رضایت عمومی را در هر صنف به بار بیاورد. در همین جهان معاصر، در عرصه روابط ملت‌ها با ملت‌ها و دولت‌ها با دولت‌ها نیز دگرگونی‌هایی صورت گرفته است که در بخش دولتی به آن دیپلماسی و در رابطه بین ملت‌ها، دادوستد فرهنگی و اقتصادی گفته می‌شود. همان‌گونه که فاکتورها و ابعاد جدیدی هر روزه بر زندگی اجتماعی ما افزوده می‌شود، در عرصه دیپلماسی نیز بر انواع آن و کارکردهای هریک، تنوع و تکثر حادث می‌شود. این انواع، گاه هم‌پوشانی و هم‌افزایی پیدا می‌کنند؛ با اهداف رابطه‌های بین‌ملت‌ها و در پاره‌ای موارد هم در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. هوش، درایت و موقع‌سنجی هریک از این دو حوزه ملت و دولت، چنانچه از اهداف مشترکی برخوردار شوند، می‌تواند کمک کند تا در یک بازی برد- برد در رابطه با دیگر کشورها قرار گیرند. در بین انواع دیپلماسی‌ها، دیپلماسی فرهنگی در عصری که دایره ارتباط بین‌ملت‌ها با سرعتی عجیب رو به گسترش و چندوجهی‌شدن است، از کارکرد و برد عملی روزافزونی برخوردار است. طبیعی است هرچه بر دولت‌ها نگاه مردم‌وراث و از دیگر سو بر تشکلهای مردمی هم، تفکری به‌روزتر، باتجربه‌تر و انعطاف‌پذیرتر حاکم باشد، این دو قطب بیشتر می‌توانند در جهت اهدافی مشترک حرکت کنند و هریک به درصد بالاتری، اهداف حوزه مسئولیت خود را تأمین کنند و به دلایل مختلفی می‌شود اشاره کرد که در مواردی باعث بروز اختلافات و تششت بین همکاران این دو حوزه می‌شود. برای نمونه بردن ۳۰ عدد از آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر به همراه همین تعداد از نقاشی‌های داخلی به موزه‌های دو کشور آلمان و ایتالیا، از جمله همان مسائلی است که بین تشکیلاتی مردم‌نهاد و ارگانی دولتی به اختلاف رسیده است. آن‌جی، او‌ها حدود و دایره مسئولیت خود را به حوزه اساسنامه، عرف و قدرت بسیج افکار عمومی، دریافت می‌کنند که به‌طور طبیعی، هریک از این سه مورد مطلق نیستند و نسبت به متغیرها و فاکتورهای مختلفی کم، زیاد یا متحول می‌شوند. به‌طورمثال، در اساسنامه که می‌تواند حدودش مشخص‌تر از دو مورد دیگر باشد، از آنجایی که بعضی از بندها ممکن است کلی باشند و نیاز به تفسیر و توافق درباره آنها باشد، می‌تواند در موارد و شرایط مختلف، دایره حدودش تغییر کند، یا درباره عرف و تجربه گذشته نیز چنانچه قرینه‌ای برایش یافت شود، با ارجاع به آن تجربه‌ها می‌توان تا حدودی میزان اختلاف‌ها را کم یا زیاد کرد. از این سه فاکتور نام‌برده‌شده، «افکار عمومی» را به‌شمار متغیّرتر و انعطاف‌پذیرتر به‌نظر می‌آید؛ به ویژه با سرعت و تنوع روبه افزایش وسیله‌های ارتباطی و دسترسی به منابع خبری در کمترین زمان ممکن که این امکان را نیز به وجود آورده تا هرکس بتواند نظرات و افکار خود را به‌راحتی به محدوده‌ای از مخاطبان خود برساند، بحث افکار عمومی و ارتباط جمعی را با تنوع و پیچیدگی‌های خاصی روبه‌رو کرده است که گاه این امکانات، هم واقعیت‌ها را شفاف‌تر و دردسترس‌تر کرده و هم می‌تواند افکار عمومی را تصمیم‌گیرندگان را به راه‌های اشتباهی آدرس دهد. ورود کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به موضوع بردن آثار گنجینه به خارج، چنانچه به دور از مسائل سیاسی و جناحی، با کارشناسی و مشورت کافی با صاحب‌نظران و بررسی دقیق و همه‌جانبه قراردادهای فی‌مابین انجام گیرد، می‌تواند اقدامی مناسب و عقلانی باشد بر اختلاف‌نظرهایی که بر سر فرستان این آثار به دو کشور آلمان و ایتالیا وجود دارد.

شرق: سرنوشت سیدمحمد امامی، سرمایه‌گذار سریال «شهرزاد»، بی‌شباهت به پایان‌بندی خود سریال نیست؛ تعلیقی که مشخص نبود این سریال به فصل بعدی خواهد رسید یا خیر؟ امامی همان تهیه‌کننده‌ای است که با قدرت از استاندارد سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی صحبت می‌کرد و طبعاً برخی از این استاندارد‌دسازی‌ها را به‌واسطه سرمایه‌گذاری و صرف پول در جهت کیفیت هرچه بهتر ساخت این‌گونه سریال‌ها می‌دانست که به گفته بسیاری از تهیه‌کننده‌های سینما، معادلات را در سیستم پرداخت‌های سینما تغییر داد. پس از انتشار اخباری که بازداشت این سرمایه‌گذار و بلاکلیفی پروژه‌هایی که به‌واسطه سرمایه‌گذاری او به مرحله تولید رسیده‌اند، یک نماینده مجلس در گفت‌وگو با «خانه ملت» فاش کرده که تهیه‌کننده «شهرزاد» درگیر یک اختلاس هشت هزار میلیاردتومانی شده است. همچنین «تابناک» از فصل تازه پرونده محمد امامی خبر داده و مدعی شده سیدمحمد امامی، مالکیت «ابد و یک روز» را در اختیار داشته، در «خوب بد جلف»، ساخته پیمان قاسم‌خانی نیز سرمایه‌گذار بوده و ۳۰۰ میلیون از سرمایه «کاناپه»، آثار تازه کیانوش عیاری را هم تأمین کرده است. «فروشنده»، «محمدرسول‌الله» و «دراکولا» سه فیلم سینمایی‌ای است که گفته شده رایت شبکه خانگی‌اش از سوی او خریداری شده و «گشت ۲» از سوی امامی نیز انجام شده. همچنین «تابناک» براساس شنیده‌هایش مدعی شده سازمان سینمایی از پنج ماه پیش، فعالیت تهیه‌کننده «شهرزاد» را در مقام پرونده آثار جدید متوقف کرده بود و درواقع آنچه اکنون با دستگیری امامی عیان شده، در ماه‌های گذشته به صورت غیررسمانه‌ای نمود بیشتری داشته است.

اختلاس هزار میلیاردتومانی

اما آنچه به ابهام‌های پرونده شهرزاد و سرمایه‌گذار درندش افزوده، افشاکاری یک نماینده مجلس درباره سیدمحمد امامی است. امیر خجسته، نماینده و رئیس فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری مجلس، در گفت‌وگو با خبرگزاری «خانه ملت»، از یک پرونده هشت هزار میلیاردتومانی صحبت کرده که ظاهرا قرار است در جریان رسیدگی به آن، اشخاص دیگری نیز دستگیر شوند. بنابر این، گفته‌شده تولید

را بپذیریم که هیچ مرتبتي بر ديگران نداريم و دور باد از «ما» اگر زماني

بخواهيم ذره‌اي منت بر سر خلق‌الله بگذاريم و تصور كنيم كه «اين منم طاووس علين شده».

مطمئنم پزشكان آگاه و خردمند نيز همين باور را داشته و دارند و خواهند داشت.

*

پس از درگذشت عباس کيارستمي، هنرمند بزرگ ايران و جهان، فرزندان و هزاران دوست و دوستان‌راش وقتي پيگير دلايل مرگ او شدند، قصدشان «قصاص» و دريافت «ديه» و تلافی و مجازات مقصر يا مقصران يا آنان که در معالجه او کوتاهي کرده بودند، نبود.
فرزندانش بارها با شڪيبايي، با ادب و متانت تمام، توضيح دادند که هدف تنها روشن‌شدن قضايات و انتظار پاسخ حق طبيعي آنهاست تا شايد کاري کُنيم که ديگر چنين فجايعي روی ندهد و رابطه «بيمار» و «پزشک» رابطه‌اي سالم و درست و انساني باشد.

واگر بعد، ناگزير، وکيل گرفتند و شکايت کردند، دليلش اولاً دريافت‌نکردن پاسخ بود و ثانياً احترام قائل‌شدن برای آنچه «قانون» خوانده می‌شود.
عباس کيارستمي که «متأسفانه و بدبختانه - از ديني‌ها ما رفت»، اما آيا درست نيست بدانيم «چرا» و «چگونه» آن هم ضعيف شده بود که سرانجام، رشته حياتش قطع شد؟

پاسخ به اين پرسش ساده - اگر پزشکان يا آقای پزشک جراحی که معالجه اين عزيز ازدست‌رفته را پذيرفته بودند، همان زمان، صادقانه، و روشن و دقيق و نه با سرازيرکردن اصطلاحات مخصوص پزشکی (که ما عوام‌الناس متأسفانه از آنها سردر نمی‌آوريم) چند جمله می‌فرمودند و اگر واقعا قصور يا خطايي صورت گرفته بود، فروتنانه آن را می‌پذيرفتند [که از قديم و نديم گفته و نوشته‌اند: آدميزاد شيرخام‌خورده - هرکس می‌خواهد باشد، در هر مقامی و در کسوت هر حرفه يا شغلی - جاب‌الخطاست!] و عذری حتي کلامي می‌خواستند، ديگر نياز به وکيل‌گرفتن و شکايت به «نظام [محترم] پزشکی» و بعد «دادگستری» نمی‌بود.
اين دو جوان مئين و نيز دوستان و دوستان‌ان هنرمندانم پاسخ خود را گرفته بودند.
همه نيز اگر «نظام پزشکی» و آقاياں پزشک نشسته بر جاياکه والای آن، به جای - به‌اصطلاح رايج شده - «فرافکنی» و پيوسته توپ را به زمين پريشگران پرت‌اب‌کردن و طرح مسائل بی‌ربطي چون: «بايد ببينيم چه کسی اجازه داد آقای کيارستمي برود فرانسه؟» يا: «استاد چرا و چگونه در آن کشور، جان به جان‌آفرين تسليم کرد؟» و مظلوم‌نامي‌ي و بهانه‌گيری و هي تکرار مکرررتلی چون: «پزشکان شريف ايراني سال‌ها در جبهه‌های جنگ تحميلي، به زيردنگان خدمت کرده‌اند!» (يعنی منت‌گذاشتن سر ملت... يعنی «انجام وظيفه حرفه‌ای» را آن هم در دو دهه پيش، به‌شکل سرکوفت مطرح‌کردن) رها می‌کردند و چند کلمه يکی از دوستان فيلم‌سازمان را (که از سر دل‌شکستگی و اندوه سنگين حاصل از سوگ ازدست‌دادن رفيق نازنينش، کمی تند بر زبان رانده بود) آن‌طور علم نمی‌کردند و پاسخ‌ها و حتی تهديد‌هايي همچون: «ما ديگر هنرمندان بيمار را معالجه نمی‌کنيم»، بيان نمی‌فرمودند... باری، اگر تنها بسنده می‌کردند به انجام وظيفه کوچکشان، جلسه‌ای کارشناسانه ترتيب می‌دادند و پرونده را بررسی می‌کردند و نتيجه را نيز سريع اعلام می‌داشتند، فرزندان کيارستمي و دوستان و دوستدارانش پاسخ خود را گرفته بودند و اگرچه امکان نداشت و ندارد که اندوه سنگين و تلخ سوگ ازدست‌دادن چنان وجود عزيزی را بتوان به اين زودي‌ها فراموش کرد، اما می‌رفتند يی کار و زندگی‌شان و اين‌همه وقت و انرژی ارزشمند صرف تيشه‌دادن و اړه‌گرفتن نمی‌شد و ديگر نياز به آن نامه‌نگاری‌ها و مصاحبه‌ها برای پاسخ‌دادن و هي توضيح چندبارتکرار شده را تکرارکردن نبود...

ولی در کمال تأسف - و البته حيرت - ديديم که بارها، کار حتي به تهديد‌هايي ناپسند کشيد (تهديد نبش قبر و جنازه از گور بيرون‌کشيدن و از اين حرف‌ها...) و خط‌ونشان‌کشيدن و به‌ميان‌آوردن بهانه‌هايي چون

هنر



افشاکاری یک نماینده از اختلاس ۸ هزار میلیارد تومانی سرمایه گذار سریال

شب شهرزاد گُشان

محبوب‌ترین محصول شبکه نمایش خانگی، در حاله‌ای از ابهام فرورفته است. خجسته درباره رقم این اختلاس و پیگیری‌های مجلس دراین‌باره به خانه ملت گفته: «با توجه به اینکه قریب به هشت هزار میلیارد تومان تخلف مالی در صندوق ذخیره فرهنگیان صورت گرفته است، تحقیق‌وتقصض را با حتم باید متخلفان در صندوق ذخیره فرهنگیان مشخص شوند».

ایسن نماینده مجلس همچنین از دستگیری افراد بیشتری در رابطه با این پرونده خبر داده و افزوده: «افراد دیگری هم به همین زودی دستگیر خواهند شد، البته دستگاه‌های نظارتی در این خصوص ورود جدی داشته‌اند و باید از اقدامات دستگاه‌های نظارتی از جمله سیستم قضائی تشکر کرد».

پول شویی به روایت «موسوی»

ماه‌ها پس از توزیع سریال «شهرزاد» در شبکه نمایش خانگی، برخی از تهیه‌کنندگان سینما از نامتعارف‌بودن دستمزدها و پرداخت‌هایی‌که در ساخت این سریال‌ها انجام می‌شود صحبت

به‌اصطلاح نیاز است که درآمد، هزینه را بپوشاند و در بسیاری از آثاری که در شبکه نمایش خانگی می‌بینیم، منطق اقتصادی وجود ندارد و قاعدتاً پول‌هایی که وارد این چرخه می‌شود، دلیلی برای سودبردن سرمایه‌گذارانش وجود ندارد و اینجااست که استنباط به پول شویی به وجود می‌آید».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «پرداخت دستمزدهای نجومی به بازیگران باعث شده تا اقتصاد سینما دچار معضل شود، پرداخت پول‌هایی که اکثراً به نظر نمی‌آید منشا سالمی داشته باشد و متأسفم که پرداخت چنین دستمزدهایی باعث شد تا دود آن به چشم خودشان برود». او ادامه داد: «تعداد آثار مجوزده‌شده در شبکه نمایش خانگی به‌قدری است که کم‌ر این سیستم را خواهد شکست و به نظر من برخی از این سریال‌ها باعث خیر در شبکه نمایش خانگی نخواهد شد. کارنابدلی برخی از مسئولان باعث شده تا هم‌زمان چند سریال مجوز بگیرند و طبیعتاً در زمان نمایش آنها، به‌جای همپوشانی، سریال‌ها رقابت خواهند داشت و احتمال خسارات بیشتری متصور است».

سریال ۲۰میلیاردی

طبق گفته سیدهادی رضوی، از دیگر سرمایه‌گذاران فصل نخست سریال «شهرزاد»، هزینه‌ای بالغ بر ۲۰ میلیارد تومان صرف ساخت این مجموعه شد؛ اتفاقی که در همان روزها بسیاری را متوجه اعداد و ارقام و هزینه‌های ساخت این سریال کرد. هرچند که سیدمحمد امامی در پروسه سرمایه‌گذاری بسیاری از پروژه‌های سینمایی دخیل بوده و تکلیف ادامه ساخت این پروژه‌ها با طلب‌های سازندگان این آثار هنوز مشخص نیست. علاوه بر محدود پروژه‌هایی همچون فیلم سینمایی «کاناپه»، به کارگردانی کیانوش عیاری که با سرمایه‌گذاری ۲۰ درصدی امامی مقابل دوربین رفت و آنها قصد رسیدگی به اتفاقات مالی پروژه و پرداخت سهم سرمایه‌گذار را دارند، در کیفی موارد همچون ساخت سریال «شهرزاد» تکلیف هنوز نامشخص است. طبق شنیده‌ها فصل دوم سریال «شهرزاد» به مرور مراحل تولید را پشت‌سر می‌گذارد و ظاهراً خللی در ساختش ایجاد نشده، اما باید دید به‌مرور کدام‌یک از این پروژه‌ها خبرساز خواهند شد و برگ دیگری از اتفاقات پشت‌پرده این سرمایه‌گذاری پرماجر را افشا خواهند کرد.

در پی دریافت نوبل ادبی

باب‌دیلن می‌فروشد

● **شرق:** با خبر غیرمنتظره برنده‌شدن باب دیلن برای کسب جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۶، فروش کتاب‌ها و آلبوم‌های موسیقی او به طور درخسور توجهی افزایش یافت. با آنکه برخی دریافت‌کردن نوبل ادبیات به دست باب دیلن، خواننده و ترانه‌سرای مشهور را چندان مناسب نمی‌دانند، اما بسیاری با شنیدن این خبر به سراغ آثار موسیقایی و کتاب‌هایش شتافته‌اند. به گزارش اسپسنا از ایندیندنت، جلد اول زندگی‌نامه و کتاب ترانه‌های ۱۹۶۱–۲۰۱۲ «باب دیلن» در روز گذشته به شکل چشم‌گیر «پرفروش شده است. کتاب متن ترانه‌های او صبح پنجشنبه (۲۲ مهرماه) در جایگاه ۷۳هزار ۵۴۳ پرفروش‌ترین‌ها بود و پس از انتشار خبر برنده‌شدن «دیلن» ر رتبه ۲۰۶ بالا آمد. کتاب زندگی‌نامه این ترانه‌سرا، خواننده و آهنگ‌ساز هم از رده ۱۵هزارو ۶۹۰ به رده ۲۷۸ ارتقا یافت. همین اتفاق درباره آلبوم‌های موسیقی او هم افتاد. «GreatHit» و «Blonde on Blonde» با آلبوم پنجشنبه به فهرست ۲۵ سی‌دی و صفحه پرفروش رده پیا کردند.

پلمب‌وفک پلمب‌ساختمان مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت

● **شرق:** با پلمب ساختمان مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت به دستور شهرداری تهران صبح شنبه ۲۴ مهر برخی هنرمندان به این حرکت اعتراض کردند و البته عصر همان روز با مساعدت شهرداری منطقه ۷ از این ساختمان فک پلمب شد. عباس عظیمی (مدیر مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت) روز گذشته در گفت‌وگو با ایلنا دراین‌باره گفت: در حال انجام تعمیرات ساختمان مؤسسه بودیم که مأموران شهرداری تهران با حضور در مقابل ساختمان این مؤسسه، آن را پلمب کردند. او ادامه داد: برای انجام تعمیرات با شهرداری تهران نامه‌نگاری شده بود و مأموران شهرداری بازرسی‌های آه‌رز را انجام داده و داربوش ازچمدن حضور داشتند. دراین‌باره، خسرو حکیم‌رباط، اقدام شهرداری برای پلمب‌کردن ساختمان مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت را «حرکتی ناشایست و به‌دور از انتظار» خواند. این نمایش‌نامه‌نویس پیش‌کسوت، دراین‌باره به ایسنا گفت: مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت که بیش از ۶۰۰ عضو دارد، محل تجمع و دفتر این هنرمندان است و شایسته نیست شهرداری با پلمب‌کردن ساختمان این چنین هنرمندان را آواره کند. حکیم‌رباط تأکید کرد: شهرداری بدون ملاحظه حرمت هنرمندان پیش‌کسوت و بدون اخطار قبلی، کاری را انجام داده که ما توقع آن را نداشتیم و انتظار داریم هرچه‌سریع‌تر برای رفع این مشکل اقدام شود.

زیر آسمان فیروزه ای

با وجودرد فیلم ازسوی آکادمی «اسکار»

تقدیر از «رفتن» در «بوسان»

● **شرق:** بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان از تاریخ ششم تا ۱۵ اکتبر (۲۴ تا۲۵ مهر) در کره جنوبی برگزار شد. برندگان بخش اصلی و رقابتی «جریان‌های نو» این جشنواره در حالی معرفی شدند که فیلم «رفتن» به کارگردانی نوید محمودی از سوی هیات داوران این جشنواره جایزه گرفت. فیلم «رفتن» به عنوان نماینده سینمای افغانستان در اسکار ۲۰۱۷ انتخاب شده بود، اما نام این فیلم در فهرست نهایی ۸۵ فیلم تأییدشده از سوی آکادمی برای جوایز اسکار دیده نمی‌شود و آکادمی اسکار نیز هنوز توضیحی درباره علت ردشدن فیلم «رفتن» ارائه نداده. نوید محمودی در گفت‌وگو با «شرق» درباره استقبال از فیلم در جشنواره فیلم بوسان گفت: «فیلم سه نمایش در جشنواره داشت که با جمعیتی زیاد برگزار شد».او ادامه داد: «بعد از نمایش فیلم جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد که جالب‌ترین نکته برای من، این بود که مردم درباره چیزهایی از فیلم صحبت می‌کردند که انگار مباحث تخصصی هستند؛ درحالی‌که مردم عادی بودند. در شهری که این جشنواره برگزار می‌شد، بسیاری پیگیر سینما و فیلم هستند و خوشحالم که جایزه ویژه هیات داوران در بخش کارگردانی به این فیلم تعلق گرفت». دو فیلم چینی «چاقو در آب شفاف» به کارگردانی «وانگ کونبو» و «بخشنده» ساخته «ژانگ کی‌وو» به طور مشترک به عنوان برندگان جایزه بهترین فیلم بخش رقابتی «جریان‌های نو» در بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان در کره جنوبی معرفی شدند. فیلم «بخشنده» به تفاوت‌های بین فشر فقیر و ثروتمند در جامعه معاصر چین می‌پردازد و داستان آن درباره مردی است که کلیه خود را می‌فروشد و فیلم «بخشنده» به تفاوت‌های بین فشر فقیر و اقلیت مسلمانان در جامعه چین می‌پردازد و روایتگر داستان مردی است که نمی‌تواند از گاوش دل بکند. هیات داوران بخش رقابتی جشنواره فیلم بوسان شامل محمود کلاری، فیلم‌بردار ایرانی، سلیمان سیسه از مالی، «گونگ مونگا» از هند، «برو یرو» از هلند و «ژانگ لو» کارگردان کره‌ای-چینی از فیلم «رفتن» به کارگردانی نوید محمودی نیز به صورت ویژه تقدیر کردند.